

معرفی های اجمالی

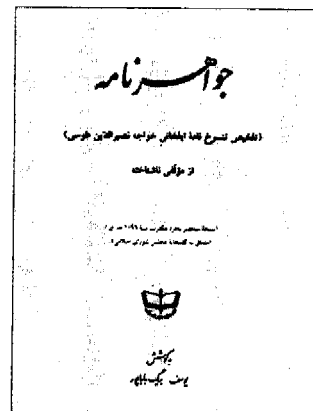
تألیف و تصنیف شده که بعضی از آنها در نهایت شهرت است. ابن الندیم در الفهرست، نام کتب چندی که به زبان تازی در فنون جواهرشناسی و کان شناسی و صدینه و عطر و سموم ساخته شده، یاد کرده که از جمله آنهاست: کتاب الجواهر واصنافه از محمد بن شاذان جوهری؛ کتاب احجار از جابر بن حیان؛ کتاب حجر و کتاب صیدنه از محمد بن زکریای رازی؛ رساله در اقسام گوهرها از کندی؛ کتاب سموم از عیسی بن علی بغدادی (م ۳۵۸ ق) طیب متوکل، خلیفه عباسی. حاجی خلیفه نیز در کتاب کشف الظنون، از چندین کتاب دیگر که در این فن ساخته شده، یاد کرده است که مهم تر و پرارزش تر از همه، کتاب الجماهر فی معرفة الجواهر ابوریحان بیرونی به تازی و رساله تنسوخ نامه ایلخانی از خواجه نصیرالدین طوسی به فارسی است.

به طور کلی، کتاب هایی که مسلمانان درباره مشخصات سنگ های معدنی نوشته اند، به سه دسته تقسیم می شوند: دسته اول، آنهایی که فقط در کتاب خود درباره سنگ های معدنی و فلزات مطالبی نوشته اند. دسته دوم، آنهایی که ضمن کتاب های تاریخ طبیعی و کیمیا و مطالب علمی دیگر، سنگ های معدنی را هم مورد مطالعه قرار داده اند.

دسته سوم، کتاب هایی است که درباره داروشناسی و طب تألیف شده اند و در آنها از بعضی سنگ های معدنی که خواص دارویی دارند، نام برده شده است.

کتب دسته اول را نیز می توان به سه گروه تقسیم نمود: اول، آنهایی که فقط از سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی نام

جواهرنامه (تلخیص تنسوخ نامه ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی از مؤلفی ناشناخته؛ به کوشش: یوسف بیگ باباپور؛ قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۸.



درآمد

دانش گوهرشناسی و کان شناسی از علوم اوایل است که حکمای پیشین و دانشمندان ایران و علمای اسلام، بدان عنایت و توجه خاص داشته، کتب و رساله های بسیار در آن فن تألیف کرده اند. «گوهرشناسی دانشی است که در آن از چگونگی و اوصاف گوهرهایی که در کان های دشت باشد، از قبیل الماس و لعل و یاقوت و فیروزه و نیز از گوهرهایی که در دریا افتد، چون مرجان بحث شود، و نیک و بد و صفات هریک به نشانه ها و علائم مخصوص شناخته گردد و همچنین خواص و ممیزات و عیوب و قیمت آنها دانسته شود» (طاشکبری زاده؛ مفتاح السعاده؛ ج ۱، ص ۳۷۲. به نقل از: مقدمه تنسوخ نامه ایلخانی؛ تصحیح مدرس رضوی؛ ص ۷-۸).

در این علم، کتاب و رساله های بسیاری به تازی و فارسی

که به ده جنس اشاره شده است؛ اما متن، فاقد توضیحات مربوط به آن است.

باب سوم، در معجون‌های نفیس یا بد است که در هشت جنس ذکر شده؛ اما همچنین متن فاقد مطالب مربوط به این موارد است.

باب چهارم نیز در گوهرهای گداختنی بوده که یازده چیز آورده شده است؛ نیز همچون دو باب گذشته، مطالب آن در متن نسخه پیدا نیست.

مؤلف در نهایت، جمع احجار و معدنیات غیره را هفتاد چیز دانسته و سپس به شرح هریک آغازیده که -همچنان که ذکر شد- در نسخه موجود فقط به تفصیل ۳۶ مورد از سنگ‌های مذکور در باب اول پرداخته شده است.

چنان که مصحح در مقدمه نیز اذعان داشته، در مقایسهٔ اجمالی این رساله با تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی، معلوم می‌شود اثر حاضر با وجود تشابهات عینی در خیلی از موارد -صرف نظر از شیوهٔ جمله‌بندی و ترتیب مدخل‌ها که متفاوت است- به یقین خلاصه یا بازنویسی‌ای از کتاب خواجه طوسی باشد. مؤلف یا محرر، بی‌آنکه اشاره‌ای به نام خواجه یا کتاب وی نماید، آزادانه مطالب خواجه را بازپرداخته و با تلخیص یا به هم زدن ترتیب ابواب کتاب خواجه، بخش جواهرات و سنگ‌های کانی را از کتاب خواجه آورده است.

در بسیاری از موارد هم، مؤلف رساله چه بسا مطالبی از خود آورده است که در کتاب خواجه به چشم نمی‌خورد. گویا وی، خود «جوهری» بوده و تجربیات و یافته‌ها و شنوده‌های خود را به آنچه از کتاب خواجه نقل کرده، افزوده است.

مؤلف در هیچ جای رساله به تلخیص بودن اثر خود از کتاب خواجه اشاره نکرده است. در مواردی اندک به عینه، کلام خواجه را ذکر کرده، اما در بسیاری جاها، خود به جمله‌سازی پرداخته و با الهام از کلام خواجه، سیاق گفتار را از جنبهٔ لفظی عوض نموده است. در بعضی جاها مشاهده می‌شود که وی به کلام خواجه بسنده نکرده، خود مطالب بسیاری به کتاب افزوده است که در تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی به چشم نمی‌خورد؛ و این خود مهم‌ترین جنبهٔ بااهمیت بودن رسالهٔ حاضر است.

مصحح، برای پربار کردن اثر، تعلیقاتی بر آن افزوده است و با بهره‌گیری از دیگر کتب «جواهرشناسی» موجود و قابل دسترس، موارد خاص را با شواهد، دلایل مندرج و توضیحاتی همراه نموده است.

افسانه‌حصری

برده‌اند؛ مثل کتاب تیفاشی، جواهرنامهٔ منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی.

دوم، آنهایی که سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی و سایر کانی‌ها در آنها مورد مطالعه قرار گرفته است؛ مثل جواهرنامهٔ سلطانی. سوم، آنهایی که علاوه بر مطالب مذکور، در آنها از فلزات و آلیاژها بحث شده است؛ مثل تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی، الجماهر. یکی از مهم‌ترین کتب موجود در این زمینه، تنسوخ‌نامهٔ (تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی)، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی متوفای به سال ۶۷۲ هجری است. این کتاب به فارسی نوشته شده و از آن، چند نسخهٔ خطی در کتابخانه‌های مجلس و دانشکدهٔ حقوق وجود دارد. در این کتاب از ۷۱ سنگ معدنی، فلز و آلیاژ نام برده شده و دربارهٔ آنها توضیحات کافی داده شده است. این اثر ارزشمند، توسط مرحوم استاد مدرس رضوی به چاپ رسیده است.

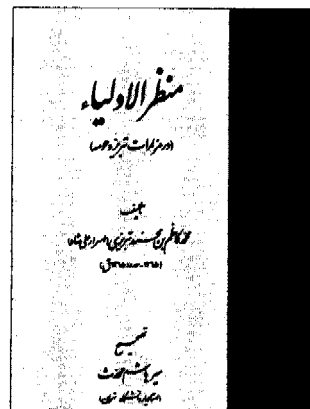
دربارهٔ جواهرنامهٔ حاضر

غیر از کتب و رسایل موجود دربارهٔ احجار و معدنیات تا قرن یازدهم هجری که استاد مدرس رضوی در مقدمهٔ تنسوخ‌نامه و ایرج افشار در مقدمهٔ ارزنده‌ای که بر کتاب جواهرنامهٔ نظامی نگاشته‌اند، طی جدول کتاب‌شناسی‌ای که به ۲۶ متن عربی و ده متن فارسی اشاره فرموده‌اند (ر. ک: جواهرنامهٔ نظامی؛ مقدمه، ص ۳۷-۳۹)، رسالهٔ فارسی دیگری نیز در ضمن یک جنگ یا مجموعه‌ای که شامل منتخبی از آثار نظم و نثر فارسی تا قرن یازدهم هجری است و بیشتر آن به خط شاعری متخلص به «شگون» است و شاید گردآورندهٔ جنگ همو باشد، موجود است. این مجموعه به خط نستعلیق کتابت خوش و شکسته نستعلیق مختلف چلیپا به رقم «شگون» و «درویش علی خادم حایری» به تاریخ تحریر ۱۰۹۶ هجری قمری، به شکل بیاض می‌باشد. چهارمین رسالهٔ این جنگ که صفحات ۶۱-۸۰ آن را شامل می‌شود، جواهرنامه‌ای است در بیست صفحه که مؤلف آن مشخص نیست. به گفتهٔ مصحح، از این رساله تنها یک نسخهٔ خطی موجود است و آن هم در ضمن جنگ مذکور، به شماره ۲۳۲۸ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (فهرست کتب خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی؛ ج ۸، ص ۲۰-۲۲) که این کتاب نیز بر اساس این یگانه نسخهٔ آن، تصحیح شده است.

در مقدمهٔ این رساله از چهار باب سخن رفته است؛ اما فقط باب اول - آن هم به صورت ناقص - از این رساله موجود است. در فهرستی که مؤلف بر باب اول نگاشته، از ۴۱ سنگ یاد کرده؛ اما در متن فقط ذکر ۳۶ سنگ آمده است.

باب دوم که در فهرست رساله یاد شده، در دیگر تنسوخ‌هاست

منظر الاولیاء: در مزارات تبریز و حومه؛ محمد کاظم بن محمد تبریزی (اسرار علی شاه؛ ۱۲۶۵ - حدود ۱۳۱۵ ق)؛ تصحیح میرهاشم محدث؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.



دانش شرح حال نگاری، جزئی از دانش فربه «تاریخ نویسی» در تمدن اسلامی است؛ به طوری که بسیاری بر این باورند که اساس تاریخ نویسی اسلامی، از سیره نویسی آغاز شده و همواره اصول سیره نویسی بر تاریخ نگاری ما سيطرة داشته است.

این دانش در طول تاریخ در شکل های مختلف متجلی شده است که بخشی در قالب صحابه شناسی، زندگی نامه نویسی برای تابعین در شکل طبقات نگاری و سپس در شکل «طبقات نویسی» گسترده برای عالمان مذاهب مختلف فقهی و فکری و حتی دانشمندان رشته های علمی درآمده است؛ برای مثال، طبقات حنفیه، طبقات مفسران، طبقات قراء و ده ها نمونه دیگر.

از حوالی قرن ششم، به تدریج دانش طبقات نگاری در قالب تذکره نویسی برای ابدال و اقطاب ظاهر شد؛ چنان که مدتی بعد علم «تذکره نویسی» برای شاعران و ادیبان نیز رواج یافت و ادبیات ویژه ای را به خود اختصاص داد.

تذکره الاولیاء عطار و امثال آن، رشته ای به نام شرح حال نگاری اولیا و ابدال را در تمدن اسلامی بنیاد گذاشته اند، که از اصول و چارچوب های صوفیانه طرفداری کرده، علاوه بر زندگی نامه نویسی عادی، به بیان کلمات شگفت و کوتاه آنان، برخی از کرامات ادعایی و توصیه های اخلاقی و عبادی و رفتاری می پردازند.

شماری از آثار تذکره ای، در قالب بیان شرح حال درگذشتگان برجسته ای است که در مزار خاصی مدفون شده، مجموعاً به نحله فکری یا گرایش معناگرایانه خاصی تعلق داشته اند. این رشته تحت عنوان «مزارات»، یکی از ده ها شعبه رشته شرح حال نگاری اسلامی، با عنایت به مزار درگذشتگان معروف و شاخص است.

این منابع صرف نظر از اینکه در داده های خود به خصوص در مسائل غیر عادی صادق باشند، یکی از منابع تاریخی ما به شمار می آیند؛ چه اینکه بخشی از تاریخ گذشته خود را مدیون اطلاعاتی هستیم که در این منابع ارائه شده است. این امر، تنها شامل اطلاعات عادی نیست، بلکه پیشینه اندیشه و تفکر و گفتمان های حاکم بر جامعه ایرانی را نشان می دهد.

یکی از این کتب، کتاب منظر الاولیاء از محمد کاظم بن محمد تبریزی است که در ادامه چندین نگارش دیگر در موضوع مزارات تبریز و نواحی آن است.

مؤلف منظر الاولیاء

نویسنده کتاب، محمد کاظم بن محمد تبریزی، معروف به اسرار علی شاه (۱۲۶۵ - حدود ۱۳۱۵ ق) است. او پیرو طریقه صوفیه و فرقه شاه نعمت اللهیه و از مریدان خاص مجذوبعلی شاه همدانی بوده است که در صفحات ۸۹ و ۱۰۸ کتاب بدان اشارت کرده است. در صفحات دیگر (۱۱۱ - ۱۱۲) می گوید: او در سال ۱۲۳۸ مرده و بیست سال است که هر شب آدینه، به زیارت وی می روم. تبریزی، لقب خودش را هم اسرار علی شاه معرفی کرده، در آخر کتاب فصلی با عنوان «بهار دوم» را به اسما و مشایخ این سلسله اختصاص می دهد و خودش را آخرین قطب این سلسله شناسانده است.

وی در معرفی مذهب خویش می گوید: «منت ایزد را که شریعت نبوی و طریقت علوی و مذهب جعفری دارم و نقش اخلاص سلسله علیه نعمه اللهیه بر لوح جان و دل می نگارم». (منظر الاولیاء، ص ۲۶۱).

او افزون بر این کتاب، دارای آثار ذیل است:

۱. میر اسرار: مثنوی ای است در حدود شش هزار بیت در سه جلد، مشتمل بر فضایل و مناقبت و حالات و سرگذشت امیر المؤمنین علی (ع) با اشاره به مطالب بسیاری در تصوف و عرفان.

۲. فنون الجنون: لطایفی از عرفا و صوفیه و اقطاب است که برای پند و اندرز و آموختن معارف دینی و اسرار اهل یقین و اصول اعتقادی گردآوری شده است. در این کتاب شرح احوال و زندگانی ۳۳ نفر از صوفیان معاصر مؤلف ذکر شده است و در انتهای هر شرح حال، مؤلف، مطالب جالبی که از آنان شنیده، به رشته تحریر درآورده است.

۳. کنز الغرائب و بحر العجائب: داستان های تاریخی شگفت انگیزی با عناوین «غریبه، غریبه» در این کتاب گزارش شده است تا مردم از شنیدن عجایب نهراسند و سخنگویی را فوراً تکذیب نکنند.

سرانجام کل روضه سوم در احوال سلاطینی که در تبریز آسوده‌اند.

پدیدآورنده کتاب با اینکه می‌نویسد نوشته حشری قابل اعتماد نیست و سقم و غلط بسیار دارد (ص ۴۳) یا غریب آنکه حشری علیه الرحمه اولیاتراش است (ص ۵۹)، باز از روضه الاطهار استفاده بسیاری کرده، همه جا با جوانمردی منبع خود را ذکر کرده است؛ گرچه این نقل قول‌ها بیشتر نقادانه است (ر. ک به: صص ۴۳، ۵۴، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۶۰، ۲۲۴ و ۲۲۵).

افزون بر روضه الاطهار، مؤلف، از کتاب‌های زیر سود جسته، نام آنها را ذکر کرده است:

۱. ریاض الابرار؛ ۲. تاریخ هشت بهشت از بدلیسی؛
۳. اجمل التواریخ از حاج میرزا رضا قلی بن محمد هادی نوری طهرانی؛ ۴. بستان السیاحه از حاج زین العابدین مستعلی شاه شروانی؛ ۵. مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری؛
۶. حبیب السیر از خواندمیر؛ ۷. عترت علویه؛ ۸. بحر الانساب.

کتاب در یک حدیقه و پنج روضه و یک بوستان (روضه ششم) بدین قرار ترتیب یافته است:

حدیقه، مقدمه کتاب است در بیان احوالات بعضی از صحابه رسول اکرم (ص) که قبل از بنای تبریز در این خاک مدفون شده‌اند: بیان احوالات اسامه بن شریک ثعلبی، مضر بن عجیل، علی بن مالک اشتر و ... از آن جمله است.

روضه اول، در احوالات امامزادگان اعظم و سادات محترم مدفون در تبریز، شامل سه گلشن است: گلشن اول احوالات امامزادگان عظام، گلشن دوم احوالات بنات فاطمیات و گلشن سوم در احوالات سادات اعلی درجات است.

روضه دوم، در بیان احوالات اولیاء الله مدفون در این خاک پاک، شامل هفت گلزار است: گلزار اول مدفونین در محله سرخاب، گلزار دوم مدفونین مقبره ملاباشی، گلزار سوم مدفونین در ولیان کوه سرخاب، گلزار چهارم مدفونین محله گنجیل، گلزار پنجم مدفونین در چرنداب، گلزار ششم مدفونین در سایر محلات تبریز و گلزار هفتم در ذکر احوال بعضی مخدراتی که از تجملات ظاهری گذشته‌اند، می‌باشد.

روضه سوم، در احوالات سلاطین کرام و وزرای ذوی الاحتشام مدفون در شهر، شامل هفت گلستان است: گلستان اول در احوالات سلاطین سلجوقیه، گلستان دوم در احوالات سلاطین مغول، گلستان سوم در احوالات ملوک چوپانیه، گلستان چهارم در احوالات ملوک ایلکانیان، گلستان پنجم در ذکر احوالات ملوک قراقویونلو، گلستان ششم در احوالات

۴. دیوان شعر فارسی: حدود پنج هزار و پانصد بیت مشتمل بر ۶۵ قصیده در فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و هفت رباعی و غزلیات و مثنوی. گویا جلد اول میراسرار باشد.

۵. مختصر التواریخ: این کتاب، شرح مختصری از وقایع تاریخی اسلام از سال اول هجرت تا سال ۱۲۹۸ ق است. بیشتر مشتمل بر تاریخ ولادت و درگذشت علما و عرفا و سلاطین و حکما و شعرا است. این اثر، در پانزده روز تألیف شده است.

۶. معارف العارف: در شرح حال هفت نفر از اقطاب سلسله شاه نعمت‌اللهی است.

۷. بهجة (لهجة) الشعرا: تذکره‌ای است شامل تراجم ۸۶ شاعر آذربایجانی که اگرچه غالباً اشعار فارسی هم داشته‌اند، ولی مؤلف بیشتر شعر ترکی از ایشان آورده است.

۸. تاریخ تبریز: مؤلف شش بار از این کتاب در منظرالاولیاء نام برده است.

منظرالاولیاء (در مزارات تبریز و حومه)

تاکنون سه کتاب درباره مزارات تبریز و حومه منتشر شده است که عبارتند از:

۱. روضات الجنان و جنات الجنان از حافظ حسین کربلائی که دانشمند فقیه، آقا میرزا جعفر سلطان القرائی آن را به طور شایسته تصحیح کرده، در سال ۱۳۴۴ ش، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در دو مجلد چاپ کرده است؛ سپس در انتشارات ستوده تبریز افست شده است.

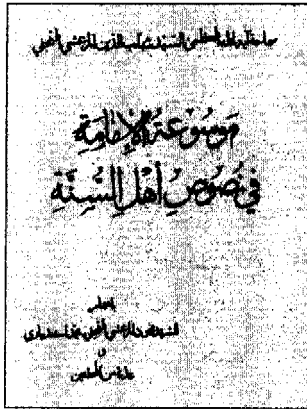
۲. روضه الاطهار (یا به سلیقه مصحح محترم آن: روضه اطهار) از محمد امین حشری تبریزی انصاری که آقای عزیز دولت آبادی آن را تصحیح کرده، انتشارات ستوده تبریز به سال ۱۳۷۱ منتشر کرده است.

۳. تاریخ اولاد اطهار از محمد رضا بن محمد صادق حسینی حسینی موسوی رضوی طباطبائی تبریزی که در همان سال تألیف (۱۳۰۰) در تبریز چاپ سنگی شده است.

چهارمین کتابی که در این موضوع می‌شناسیم، همین کتاب منظرالاولیاء است که هسته اولیه تألیف آن در سال ۱۲۳۸ ق تشکیل شده و مؤلف تا سال ۱۳۰۴ ق مشغول تکمیل آن بوده است.

کتاب روضات الجنان در سال ۹۷۵ ق و روضه الاطهار ۳۶ سال بعد، یعنی ۱۰۱۱ ق تألیف شده‌اند و منظرالاولیاء در سال ۱۳۰۴ ق نوشته شده است و اطلاعاتی درباره این فترت سیصدساله دارد؛ از جمله سه فصل: یکی گلزار دوم از روضه دوم که مختص مدفونین مجذوبیه یا مقبره ملاباشی است؛ دیگر گلزار هفتم از همان روضه در مخدرات مدفون در تبریز، و

موسوعة الامامة في نصوص اهل السنة؛ آيت الله العظمى سيد شهاب الدين مرعشي نجفی؛ به تحقيق محمد اسفندياری و ديگران؛ چاپ اول، قم؛ ۲ ج (تاکنون)، قم: کتابخانه مرعشی، وزیری.



احقاق الحق وازهاق الباطل از آثار ماندگار قاضی نورالله شوشتری است. آیت الله مرعشی نجفی با همکاری چند تن از شاگردان خود به افزودن بر احقاق الحق پرداخت و ۳۴ سال در این راه کوشید. این گونه، فرع بر اصل پیشی گرفت و احقاق الحق که در یک جلد چاپ سنگی شده بود، به ۳۶ جلد رسید و با عنوان ملحقات احقاق الحق منتشر شد.

ملحقات احقاق الحق در طی سالیان و به صورت پراکنده چاپ شد و همین بود که استدراک بر استدراک و ذیل بر ذیل زیاد شد و این کار، استفاده از این اثر را بسیار مشکل می کرد. انتشار دو جلد فهرست برای این ملحقات نیز چندان راهگشا نبود و نیاز به بازسازی، ساماندهی و تدوین را به خواننده گوشزد می کرد.

از سال ۱۳۸۲ پژوهشگرانی چند بر این ملحقات نظم بخشیدند و اکنون حاصل کار خود را با ویرایش و ترتیب جدید، زیر عنوان «موسوعة الامامة» نشر داده اند. تاکنون بیست جلد از این مجموعه پیش روی ما قرار گرفته است و در مجموع نزدیک به چهل جلد خواهد شد.

آنان با مبنا قرار دادن ملحقات احقاق الحق در راهی گام می زنند که علامه امینی در الغدیر و میرحامد حسین در عیقات الانوار پیمود.

در انجام چنین کارهایی که بر مبنای آثار گذشتگان استوار است، پژوهشگران با دو شیوه کلی روبرو هستند و دو مسیر، پیش رویشان قرار دارد: یکی در هم ریختن شالوده اصلی و وارد کردن ایراد و انتقاد به کار اولیه و پژوهشگر پیشین و یکی هم اعتماد بر

ملوک آق قویونلو، گلستان هفتم در احوالات وزرای که در تبریز مدفون اند.

روضه چهارم، در احوالات بعضی از فحول شعرا که در این سرمنز چشم آشنایی دارند که شامل دو لاله زار است: لاله زار اول در ذکر شعری که از مکان های دیگر به این شهر آمده و وفات کرده اند که از جمله اسدی طوسی، خاقانی شروانی، انوری ایوردی، خواجه سلمان ساوجی و ... ؛ لاله زار دوم در ذکر بعضی از شعرای متولد شده و مدفون در این شهر است.

روضه پنجم، در احوالات بعضی از این طایفه اولیا که در مضافات تبریز مدفون اند، شامل پنج سیر است: سیر اول در احوالات اولیای مدفون در دارالارشاد اردبیل، سیر دوم در ذکر اولیای مدفون در اهر، سیر سوم در ذکر اولیای مدفون در شبستر، سیر چهارم در احوالات اولیای مدفون در مراغه، سیر پنجم در ذکر اولیای مدفون در دهات تبریز (از جمله اسکو، رواسنجان، الماس، اسنجان، آماسرای و ...) می باشد.

روضه ششم، شامل بهار دوم است در اسماء مشایخ سلسله نعمت الهی و ترجیح آن بر سایر سلاسل و ذکر نام مشایخ ایشان. مصحح محترم، فاضل گرانمایه آقای میرهاشم محدث فرزند استاد فقیه میرجلال الدین محدث که دغدغه شان چاپ آثار ارزشمند چاپ نشده است، این اثر را به طور شایسته تصحیح کرده، کتابخانه مجلس آن را به زیبایی به طبع رسانیده است.

تنها نسخه خطی این کتاب، در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود بوده و دستمایه تصحیح و چاپ قرار گرفته است. مصحح تمام کتاب را با روضه الاطهار مقابله کرده، موارد مشترک را مشخص نموده و موارد دیگر را از منابع دیگر، آدرس داده است.

متأسفانه نسخه ناقص بوده، گاهی برخی صفحات سفید شده، از آخر نیز افتادگی داشته است؛ از سوی دیگر کاتب کم سوادی آن را کتابت کرده بوده است. با توجه به این موارد، زحمات مصحح در تصحیح کتاب ستودنی است.

از تلاش های شایسته مصحح، ایجاد فهرست های آیات، نام ها، جای ها، کتاب ها، خاندان ها و سروده ها بر کتاب است که راهنمای خوبی برای دستیابی به مطالب کتاب است.

عباسعلی مردی

همان کار اول و مقید شدن به چارچوب دست و پاگیر اصلی . اکنون دانشنامه امامت در ورطه افراط و تفریط هیچ یک از آن دو شیوه مذکور گرفتار نشده و راه سومی را به عنوان یک شیوه میانه و معتدل برگزیده است ؛ به سخن دیگر نه چنان خود را پاینده کار اصلی دانسته و کار پدیدآورنده ملحققات احقاق را بدون عیب و به دور از خطا فرض کرده - که هیچ کلامی را نتوان از آن کاست و بر آن افزود - و نه کار پیشین را از بنیان برهم ریخته و به یک باره آن را طرد کرده و فضل مقدم را نادیده انگاشته است .

در واقع، پایه و اساس کار، همان پژوهش آیت الله مرعشی است و همو نیز به عنوان سرشناسه و مؤلف کتاب نمایانده شده است ؛ ولی پژوهشگران به ویرایش ملحققات احقاق بسنده نکرده اند و از منابع جدید که در طی دوران حاضر به چاپ رسیده و فرادست آمده است، بهره برده اند و مطالب فراوانی به اصل کتاب افزوده اند .

شیوه نامه نیز تغییرهایی کرده است و محققان، موضوع شیعی امامت را در روایات اهل سنت پی گرفته اند ؛ بنابر گفتار زبیدی، سخن اهل سنت به نقل از کتاب های شیعیان و سخن امامیه به نقل از آثار غیر موجود اهل سنت، به کلی حذف شده، به واقع دانشنامه امامت به گزارش اهل سنت پدید آمده است . گفتار معصاران و متأخران و منابع کم اهمیت و دست چندم نیز که نیمی از کتاب ملحققات را اشغال کرده بود، حذف شده، به جای آن منابع دست اول نشست است . پدیدآورندگان این موسوعه، منابع دست اول را آثاری می دانند که حدیث را با سند مستقل آورده اند و نه به نقل از کتاب های دیگر .

به جز دست اول بودن و استقلال منابع، به کهن بودن آثار نیز توجه شده است و منابعی که تا قرن هفتم هجری به نگارش درآمده، مورد استفاده قرار گرفته است ؛ همچنین همه مطالب، از متن احادیث و روایات تا نام راویان، مقابله و تصحیح شده است .

در این موسوعه، به اصالت آثار توجه شده، ولی سند خود احادیث مورد بررسی قرار نگرفته است ؛ چرا که مقصود اصلی، گردآوری و تدوین احادیث در این مجموعه بوده است و نه تهذیب روایات ؛ حتی احادیث بدون سند نیز در پایان هر باب زیر عنوان «مرسلات» آمده است .

در کل رعایت اختصار در این مجموعه، شایسته قدردانی است ؛ روایاتی که عین یکدیگر بوده، تکرار نشده است ؛ ولی شباهت ها و تفاوت ها در باور قی آمده است . احادیث طولانی

که مطالبی خارج از موضوع این موسوعه داشته، کوتاه و تقطیع شده است .

ارجاعات به آخرین تصحیح ها و ویرایش آثار نیز انجام گرفته است .

ترتیب کتاب، موضوعی - الفبایی است . در زیر هر موضوع، احادیث براساس نام نویسندگان آثار مرتب شده است ؛ سپس نام راویان حدیث به صورت الفبایی آمده است . در نام نویسندگان، نام مشهور آنان ملاک قرار گرفته، در ترتیب الفبایی نام راویان، اب، ابن و ام در نظر گرفته نشده است .

آنچه گفته آمد، مهم ترین کارهای انجام شده به دست پژوهشگران بود . با یک بررسی دقیق می توان نتیجه گرفت که محققان از مسیر اصلی خارج نشده اند و در همه جا از شیوه نامه ای که خود برای این موسوعه در نظر گرفته اند، پیروی کرده اند و در واقع اثری یکدست پدیدار ساخته اند . با نگاهی به سراسر این بیست جلد، تقسیم بندی ها و نظم و ترتیب موجود در چینش مطالب، بسیار چشم نواز می نماید که حکایت از ذوق کتاب شناسی محققان این دانشنامه دارد

گاه دیده می شود پژوهشگران دوران ما از ابزارهای جدیدی همانند رایانه و نرم افزارهای علوم اسلامی بهره می گیرند، ولی بیانشان بوی کهنگی دارد و فرزند زمان خویش نیستند ؛ ولی محققان دانشنامه امامت رویکردشان نیز جدید و امروزی است ؛ احتجاج با اهل سنت روامدارانه و به زبان نرم و علمی صورت پذیرفته و از تند و توهین خودداری شده است .

در مجموع، خواننده با سیری در این اثر دچار غرور و شادمانی می شود که چنین کار ارزشمند و مجموعه بزرگی به دست پژوهشگران ایرانی در جهت اثبات حقانیت شیعه انجام پذیرفته است .

امید که باقیمانده جلد های موسوعه نیز هر چه زودتر چاپ شود و سپس همه چهار جلد یک جا، به همراه لوح فشرده در اختیار خواستاران قرار گیرد .

همچنین چشم می داریم جلد زیباتری که درخور این کار بزرگ است، برای موسوعه امامت در نظر گرفته شود تا جذابیت ظاهری هم رعایت شده باشد .

محمد رضا زاهدوش



منقول عنه بود و به سال ۷۱۱ ق اشاره می‌کرد، با هوشیاری مورد تردید قرار دادند و پس از بررسی برگ‌های دیگر نسخه، به تاریخ اصلی آن در فصل‌های دیگر کتاب دست یافتند. قضیه اشتباه گرفتن تاریخ منقول عنه به جای تاریخ اصلی کتاب، اشکالی است که بسیاری بدان مبتلا شده‌اند و خود، موضوع بحث‌های بسیاری در این زمینه بوده است؛ بلکه عیناً خط مؤلف شهیر شیرازی آن، و از این نظر سوژه‌ای کم‌نظیر در مطالعات نسخه‌شناسی و تصحیح متن‌های فارسی تاریخی است.

با اینکه تصویر / میکرو فیلم این نسخه در ایران در دسترس محققان قرار داشت، هیچ‌کس به سراغ آن نرفت تا اینکه عثمان غازی اوزگودنلی، محقق متون تاریخ عهد ایلخانان از ترکیه، گفتاری ارزنده در بررسی دستنویس تاریخ و صاف ابراز داشت و تعلق آن را به کتابخانه و قفیه رشیدی در ربع رشیدی اثبات کرد. در مقاله او که این بار تصاویری رنگی از برخی اوراق نسخه عرضه می‌کرد، عکس مهرهای خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی با سجع «وقف کتابخانه رشیدی» دیده می‌شد که بسیار جالب توجه بود.

از آن پس، طراحان چاپ نسخه برگردان متون، به انتشار تصویر تمام صفحات این دستنویس در قطعی مشابه نسخه اصل (چنان که قانون فاکسیمیل است) همت گماشتند که اقدامی درخور است.

ناگفته نماند که در این فاصله (انتشار مقاله اوزگودنلی، ترجمه در مجله «نامه بهارستان» تا چاپ عکسی / نسخه برگردان) چاپی حروفی یا به عبارت بهتر، تصحیحی از آن با این مشخصات عرضه شد که بررسی آن از حوصله این گفتار خارج است:

- تاریخ و صاف الحضرة؛ ادیب شهاب‌الدین (شرف‌الدین) عبدالله بن عزالدین فضل‌الله شیرازی؛ جلد چهارم به انضمام رسائل دیگر و خلاصه جهانگشای جوینی، براساس نسخه دست خط مؤلف، مورخ ۷۱۱ ق؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق دکتر علیرضا حاجیان نژاد؛ چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

در همین حد می‌توان گفت که به دلیل کم‌رنگ بودن و بدکیفیتی میکرو فیلم دانشگاه تهران - که مورد استفاده دکتر حاجیان نژاد قرار گرفته - و نیز محروم ماندن از نمونه خوانی‌های مکرر و دقیق چاپی، حتماً بدخوانی‌هایی از مصحح محترم، برای خوانندگان که اکنون چاپ عکسی واضح از نسخه خطی و صاف را در دست دارند، آشکار خواهد شد که البته این نباید به معنی زیر سؤال بردن تمام کار ایشان تلقی شود؛ و الحق باید

تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار (تاریخ و صاف)؛ شرف‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله بن ابی نعیم یزدی / شیرازی (۶۶۳ شیراز - ۷۳۰ ق)؛ به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی؛ تهران: طلایه، ۱۳۸۸.

تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار

به کوشش
ایرج افشار
محمود امیدسالار
نادر مطلبی کاشانی

طلایه
۱۳۸۸

پنجمین اثر از «گنجینه نسخه برگردان متون فارسی» که به همت استاد بزرگ ایران شناس، ایرج افشار و دکتر محمود امیدسالار و اخیراً با پیوستن نادر مطلبی کاشانی به این گروه، نشر یافته است، نسخه‌ای یگانه از جلد چهارم (از سری پنج جلدی) تاریخ و صاف است که به خط مؤلف (نسخه اصل) است و در ترکیه نگهداری می‌شود.

از این دستنویس، چند دهه قبل مجتبی مینوی در مأموریت خود از طرف دانشگاه تهران میکرو فیلمی برای دانشگاه تهیه کرده بود که اکنون در کتابخانه مرکزی - که آن‌جا هم به پایمردی ایرج افشار پا گرفت - نگهداری می‌شود. این نسخه به دلایل متعدد، به خط مؤلف است که از آن جمله می‌توان به این دو قرینه استناد جست:

الف) رقم کاتب در پایان کتاب: «... قد فرغ من تلیفیه و تنمیقه مؤلفه و محرره عبادالله تعالی و احو جهم الی النعمیم، عبدالله بن فضل‌الله بن ابی نعیم، اجعل الله متابعه الحق احسن ممأ لدیه و غفرله و لوالدیه فی شعبان سنة احدى شعر و سبع مایة المبارکة، رب اّختم بالخیر»

ب) تصرفات کاتب (مؤلف) در نسخه اصل درون متن و حاشیه آمده است که از نشانه‌های نسخه‌های اصل است.

جز این، نوع خط نسخه، قدمت آن را تأیید می‌کند و این بدان معنی است که این نسخه از روی نسخه دیگری (منقول عنه) که به خط و صاف کتابت شده، استنساخ نشده است (در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نسخه‌ای از تاریخ و صاف وجود دارد که طبق رسوبات ذهنی، به خاطر دارم در اوایل سده نهم کتابت شده است و استاد مرعشی در همان زمانی که نسخه را برای کتابخانه خریداری کردند، رقم نسخه را که در واقع رقم

کتاب - که در واقع آغاز کتاب برای خوانندگان غربی خواهد بود - مقدمه انگلیسی دکتر محمود امیدسالار در چهار صفحه قرار دارد. اجر همگان مشکور.

کریم کتابیار

بخشی از دست‌نوشته‌های آثار علامه دوران، شیخ بهاء‌الدین عاملی (ره)؛ به کوشش سید محمود مرعشی نجفی و میر محمود موسوی؛ به مناسبت کنگره بزرگداشت علامه شیخ بهاء‌الدین عاملی (ره) (تهران، زمستان ۱۳۸۷ ش) قم: چاپ اول، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۳۸۷ ش.

بخشی از دست‌نوشته‌های
آثار علامه دوران
شیخ بهاء‌الدین عاملی (ره)
به کوشش
سید محمود مرعشی نجفی
میر محمود موسوی
کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
۱۳۸۷

ارتباط شیخ بهائی با شهر قم، به سیرهای آفاقی او در بلاد و اعتکاف در برخی مناطق خاص ایران آن روزگار، مانند مشهد، تبریز، قزوین، هرات و گازرگاه آن شهر، و امثال آن بازمی‌گردد. وی مدتی را در قم و در حجره‌ای در مدرسه فیضیه - که در آن روزگار فاطمیه یا معصومیه خوانده می‌شد - به خلوت‌های فلسفی و متفکرانه گذراند. در همین ایام بود که برای مثال رباعی زیبایی سرود که در کَشکول خود درباره اش نوشته است: «مما سنع لى فى الظوة القمىة المباركة السمىة العلیة الفاطمىة، وقد كنتُ فیها کثیراً ما اتحدتُ مع النفس الخاطیة العصیة فى کلِّ بکرة وعشیة:

در خلوت اگر با خودم اندر گفتار
عییم به جنون مکن که دارم من زار
صدگونه حکایت طربناک اینجاً
با هر ذره، ز خاک کوی دلدار»
(کشکول، چاپ نجم الدوله، ص ۱۰۱)

پس از سپری شدن چهارصد سال قمری از درگذشت آن یگانه، فهرستی برای نسخه‌های آثارش که در همین شهر و در کتابخانه بی نظیر آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود، نگاشته و عرضه شده است؛ البته این کار در کنار کاری چون

گفت در ابتدای راه بررسی تاریخ و صاف قرار دادیم؛ کتابی که تا همین سال قبل، بهترین و معتبرترین نسخه مورد استناد آن در میان پژوهشگران، چاپ سنگی معروف بمبئی بود و برای گروهی دیگر که دسترسی به آن نداشتند، تحریر تاریخ و صاف آیتی. پس زحمات دکتر حاجیان در بازیابی ابیات عربی متن و تلاش ایشان در عرضه متنی منقح، ابتدا باید ارج نهاده شود و آن‌گاه اگر ایرادی داشت، با رعایت همه موازین علمی اخلاقی، نقدها عرضه گردد.

به هر روی، به سراغ بررسی چاپ عکسی / نسخه برگردان جلد چهارم از تاریخ و صاف می‌رویم که به همت سه تن از ایران‌شناسان و با پشتیبانی مالی «سازمان گسترش فرهنگ پارسى» (ایرانیانی دور از وطن که نام ایشان در ابتدای این کتاب، همچون کتاب‌های دیگر این مجموعه، آمده است) با کیفیتی خوب عرضه شده است.

کتاب دو مقدمه دارد که یکی عنوان «پیش‌آورد» گرفته و از ارج افشار است و دیگری از عثمان غازی اوزگودنلی، ترجمه حجت فخری.

در پیش‌آورد استاد افشار، این مباحث دیده می‌شود:

- نسخه‌شناسی: انجامة، تاریخچه مالکیت نسخه، سواد یا بیاض (مسوّه یا مبیضه)، عددشمار برگ‌ها، کراسه‌شمار، رکابه‌نویسی، تعداد سطرها در صفحه، جدول و مسطر، مشخصات و مختصات خط، تصرفات مؤلف، برافزوده‌ها، مهرها، آرایه‌ها، نشانه‌ها، آسیب‌ها، رسم حروف. استاد در پایان نوشته خود، تصریح کرده است: «برای آنکه مراجعه کنندگان بدانند هر صفحه از اوراق این نسخه را در کدام صفحه از چاپ بمبئی، ۱۲۶۹ (افست تهران، ۱۳۳۸) می‌توان یافت، عدد صفحه‌شماری هر صفحه از آن چاپ، میان [] برابر سطر نسخه خطی نهاده شد» (۳۵ مقدمه).

در مقدمه آقای اوزگودنلی نیز که الحق دقیق و متین است، این عناوین به چشم می‌آید:

۱. زندگی و آثار و صاف: الف) زندگی و صاف؛ ب) آثار و صاف؛
۲. محتوا و اهمیت تاریخ و صاف؛
۳. نسخه خطی مؤلف تاریخ و صاف؛
۴. تفاوت نسخه‌ها؛
۵. اهمیت نسخه مؤلف.

مقدمه در صفحه پنجاه پایان می‌یابد و از آن پس، متن نسخه در ۶۲۰ صفحه رحلی می‌آید. بعد از این قسمت و در پایان

حاشیه تشریح الافلاک، حاشیه زبدة الاصول، حاشیه شرح العضدی علی مختصره ابن حاجب، حاشیه علی القواعد الشهدی، حاشیه من لایحضره الفقیه (۲)، الحبل المتین (۱۷)، الحدیثه الهلالیه (۶)، الحریری، حل عبارة القواعد «الاول» (۷)، حل عبارة قواعد «الثانی»، خلاصة الحساب (۲۷)، ذبائح اهل الکلام (۹)، زبدة الاصول (۲۷)، شرح الفرائض النصیریة (۲)، شیر و شکر (۶)، الصفیحة (اسطرلاب) (۱۱)، العروة الوثقی (۵)، عقدنامه سلطان حمزه میرزا بهادرخان، عین الحیاة (۲)، الفوائد الصمدیه (۵)، القبلة، الکر (۱۰)، الکتشکول، لغز (چند مورد متفاوت)، لغز الزبده (۱۲)، لغز القانون (۴)، لغز الکافیة (۳)، مشرق الشمسین (۷)، مفتاح الفلاح (۱۶)، نامه (به یکی از سلاطین صفوی)، نامه به میرزا ابراهیم همدانی، نان و حلوا (۱۲)، نسبة ارتفاع اعظم الجبال الی قطر الارض (۴)، الوجیزة (۲۱).

از صفحه ۳۰۵-۳۱۵ نیز متن برخی اجازات شیخ به خط خود ایشان که در برخی نسخه های کتابخانه باقی است، بازنویسی شده است. چنان که گذشت تصویر این موارد نیز در پایان کتابشناسی آمده است که می توان آنها را مقایسه کرد.

اجازات مذکور، به این افراد است: سید سلیمان بن سید شمس الدین محمد بن شدم، شهاب الدین احمد الخاتونی، مولانا شاه حسین طالشی، سید بدرالدین حسین عاملی، محمد کاظم بن عبدالعلی جیلانی تنکابنی (۲ اجازه)، محمدرضا مشهدی (۲ اجازه)، محمد بن عبدالحی شریف، کاتب نسخه ای، کمال الدین حاجی بابا قزوینی، محمدحسین بن محمود سلیمی و محمدرضا بن رضی الدین محمد قزوینی.

سه فهرست (نمایه) برای این کتابشناسی شامل: عناوین، کاتبان و تاریخ کتابت و محل کتابت در نظر گرفته شده است. تصاویر منتخب نیز از صفحه ۳۲۹-۴۱۰ با توضیحات زیرنویس آنها قرار گرفته است که کیفیت و وضوح عکس ها هرچه رو به انتها می آیم، بهتر می شود.

پشت جلد کتاب هم تصویر فوق العاده روشنی از اجازه اول شیخ به محمدرضا مشهدی است که در پایان نسخه خلاصه الاقوال علامه حلی و در رقم در سال ۱۰۰۶ ق نگاشته شده است.

کریم کتابیار

کتابشناسی آثار شیخ بهائی، اثر آقای محسن ناجی نصرآبادی، محدوده کوچک تری را شامل می شود و حتی شاید بتوان گفت اطلاعات برگزیده آن را در کتاب ناجی می توان یافت؛ با این همه حسنی که این کتاب و امثال آن دارد، وجود تصاویری از صفحات مربوط به دستنویس های تألیفات شیخ در پایان آن است که شاید با لیتوگرافی دقیق تری، می شد آن را واضح تر منتشر کرد. در این کتاب تعداد زیادی تصویر مربوط به اجازات و یادداشت هایی با خط مبارک خود شیخ وجود دارد که در تاریخ خوشنویسی و نیز رسم الخط ویژه علما برای اجازه نویسی، جایگاه ویژه و ممتازی دارد.

روی صفحه جلد، تصویر رنگی دو صفحه از دستخط شیخ بر نسخه «الاثناعشریه فی الصلوة» اثر خود او به شماره ۷۵ مرعشی، زیر هم دیده می شود که گویا نسخه ای شاهانه بوده است و نوشته های متن با خطوط دندان موشی، دورگیری و بین سطور با طلا پر شده است.

در مقدمه متولی دانشور کتابخانه، پس از تصریح به شتابزده بودن کار تنظیم فیش های مقدماتی برای تدوین این کتابشناسی که به منظور رساندن آن به همایش صورت گرفته، آمده است: «در این فهرستواره تعداد ۳۸۹ نسخه خطی مشتمل بر ۶۳ عنوان از آثار شیخ بهاءالدین عاملی و متن سیزده اجازه به خط شریف ایشان، به همراه تصاویر آنها و سایر دستخط های مبارک ایشان معرفی می شود» (ص ۶).

کتاب ها و عناوینی که در این فهرست / کتابشناسی معرفی شده است، به همراه تعداد نسخه هایی از هر کدام (داخل هلال) بدین شرح است:

الاثناعشریه فی الحج (۶)، الاثناعشریه فی الزکاة والخمس (۵)، الاثناعشریه فی زیارة، الاثناعشریه فی الصلاة (۱۳)، الاثناعشریه فی الصوم (۱۴)، الاثناعشریه فی الطهارة (۱۱)، اجوبة مسائل ابن شدم «الاولی» (۳)، اجوبة مسائل الثلاث (۳)، اجوبة مسائل الشیخ صالح الجزائرئی (۳)، اجوبة مسائل اللاهیجی، اربعون حدیثاً (۱۸)، استحباب السورة (۳)، الاعتقادات (۹)، تحفه حاتمیه (اسطرلاب) (۴)، تحلیل الاسنان فی لیالی شهر رمضان، التخییر فی المواطن الاربعة بین القصر والاتمام، تشریح الافلاک (۲۵)، تفسیر آیه «فسحفاً لاصحاب السعیر» (۲)، تفسیر آیه «وان کتن فی ریب مما نزلنا علی عبدنا» (۲)، تفسیر سورة الفاتحه، توضیح المقاصد (۴)، التهذیب فی النحو، جامع عباسی (۲)، جهة القبلة (۱۴)، حاشیه الاثنای عشریه الصلایه، حاشیه انوار التنزیل (۸)،